

یادداشت

انتظار برای پایان بازی تلخ بورسی‌ها

امیر توپچی‌پور - کارشناس بازار سرمایه ملی

● خرداد امسال بود که سیدابراهیم رئیسی، نامزد سیزدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری، به صورت سرزده در تالار بورس حضور یافت و با فعالان بازار سرمایه از نزدیک گفت‌وگو کرد. همین اتفاق کافی بود تا سهام‌داران امیدوار باشند که در صورت تغییر دولت از روحانی به رئیسی نوع نگاه به بازار سرمایه نیز تغییر یابد. با مشخص‌شدن نتایج انتخابات، بازار سرمایه واکنش مثبتی به این اتفاق نشان داد و شاهد رشدی موقتی در بازار بودیم. با انتخاب خاندوزی به‌عنوان وزیر اقتصاد به‌عنوان یکی از منتقدان دولت قبلی در حمایت از بورس و علی صالح‌آبادی به‌عنوان رئیس بانک مرکزی به‌عنوان فردی از جنس بازار سرمایه، امیدها پربنگ‌تر شد.

اما برخلاف انتظار فعالان بازار سرمایه گذشت زمان ثابت کرد که دولت با وجود وعده‌های داده‌شده، در عمل اقدام حمایتی از بورس نداشت. وزیر اقتصاد برخلاف دوران حضورش در مجلس دیگر صحبتی درباره بازار سرمایه نداشت و ایده‌های دوران حضورش در مجلس در وزارت اقتصاد دیده نشد.

با افزایش نرخ بهره و فروش اوراق در بازار، سهامداران بیش‌ازپیش نسبت به رویکرد فعلی دولت نسبت به بورس ناامید شدند و دراین‌میان روزهای سرخ بازار نیز بر نگرانی‌های‌شان اضافه کرد.

بازار سرمایه در ماه‌های اخیر حواشی زیادی داشت و اتفاقات سیاسی و اقتصادی مختلف تأثیر منفی بر روند این بازار گذاشته است و به‌این‌ترتیب روزبه‌روز شاهد افت قیمت سهام و ازبین‌رفتن سرمایه سهامداران بودیم.

مؤلفه‌های اقتصادی مختلفی مانند نرخ دلار در ماه‌های اخیر رشد کردند؛ ولی بازار سرمایه واکنشی به این موضوع نداشت. با افزایش ابهامات درباره برجام و بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۱، بازار سرمایه با تردیده‌ای زیادی همراه شد و در پی آن شاهد افت ارزش معاملات بودیم؛ تا جایی که در طول هفته اخیر رکورد کمترین میزان ارزش معاملات در هفت ماه اخیر نیز شکست.

افت ارزش معاملات در بازار سرمایه می‌تواند به این معنی باشد که فروشنده زیادی در بازار نمانده و خریداران هم با توجه به افت قیمتی روزانه سهام، عجله‌ای برای خرید ندارند و ترجیح می‌دهند با توجه به ایجاد رعب و وحشت در بازار برای خرید سهام بیور باشند تا پس از تثبیت بازار خریدهای خود را تکمیل کنند. البته حواشی بیشتر از متن بر روند بازار سرمایه تأثیرگذار بوده. همین یک ماه پیش بود که بحث افزایش نرخ خودرو مطرح شد؛ ولی بلافاصله پس از اعلام افزایش نرخ ۱۰درصدی، رئیس‌جمهور به آن واکنش نشان نداد و مخالفت خود را با افزایش نرخ خودرو ابراز کرد. پس‌ازاین اتفاق شاهد افت بیش‌ازپیش سهام بودیم که در نهایت منجر به تعلیق خودرو و خسایا به عنوان لیدرهای گروه خودرویی شد تا شاید بازار اندکی آرام بگیرد.

با تعلیق لیدرهای بازار، قیمت‌ها همچنان با شیب نزولی پیش رفت تا اینکه پس از یک ماه پر از ابهام، خودرو و خسایا با خبر افزایش نرخ ۱۸درصدی در مدار مثبت بازگشایی شدند.

برخلاف انتظار برخی از فعالان بازار سرمایه، با وجود خبر مثبت افزایش نرخ، شاهد افت قیمتی سهام شرکت ایران‌خودرو و سایپا بودیم که پیش از تعلیق، رشد کرده بودند؛ ولی بازار طی یک ماه غیبت این نمادها دچار اصلاح شده بود.

همگام با آغاز اصلاح در این دو نماد و لیدرمحور بودن بازار سرمایه، فشار فروش در کلیت بازار افزایش یافت و سایر سهام نیز افت‌هایی داشتند تا اینکه معتبرترین حمایت شاخص هم‌وزن که از ریزش مرداد ۹۹ تاکنون به‌عنوان سد حمایتی ظاهر شده بود، از دست رفت تا نگرانی‌ها در بازار سرمایه افزایش یابد. از طرفی دیگر شاخص کل نیز کتانل یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار واحد از دست داد. در صورتی‌که شاخص کل محدوده یک‌میلیون و ۲۷۰ تا ۲۸۰ هزار واحد را نیز از دست دهد، کار سخت‌تر خواهد شد و در حالت خوش‌بینانه می‌توان انتظار درج‌ازدن بازار را برای مدت‌ها داشت. هرچند اشتباه، اما بازار سرمایه این روزها لیدرمحور پیشی ورود و نگاه‌ها به خودرو و خسایا دوخته شده است. با نزدیک‌شدن خسایا به ۱۴۰ تومان، تقاضا در این نماد افزایش یافته و با تثبیت این نماد می‌توان به بهبود اوضاع بازار امیدوار بود. تابلوی معاملاتی گروه‌هایی مانند پالایشگاهی و بانکی در یکی، دو هفته اخیر سیگنال‌های مثبتی از خود برای صعود نشان داده است که با فشار فروش ناشی از اصلاح لیدرهای بازار قیمت سهام این گروه‌ها هم قادر به رشد نبوده است و حالا خسایا می‌تواند منجی بازار شود و پاییز تلخ بورسی‌ها هم همراه با اتمام پاییز به پایان برسد و روزهای سبز بورس نیز فرابرسد.

شرق: میزان و شدت کلان بحرانی در ایران با نام مسئله آب حالا بر کمتر کسی پوشیده است، اما همچنان درباره راهکارها اتفاق نظر جامعی در بین تحلیلگران و مسئولان دست‌کم در عمل دیده نمی‌شود. در شرایطی که چنین بحرانی روزبه‌روز خود را به شیوه‌های مختلف در مناطق کشور نشان می‌دهد، حکمرانی باید به چه صورت باشد و اساسا چه راهکاری برای گذر از این بحران وجود دارد؟ مسئولان و تصمیم‌گیران تا چه اندازه کلان‌مسئله آب را درک کرده‌اند و این درک تا چه میزان در رفتار و عملکرد آنها انعکاس یافته است؟ اینها و ده‌ها پرسش دیگر بخشی از موارد مهم نشست تازه «شرق» در شبکه اجتماعی کلاب‌هاوس است که این‌بار با حضور کارشناسان و تحلیلگران برگزار شد. «انوش نوری‌اسفندیاری» دبیر اندیشکده تدبیر آب ایران، «بنفشه زهرایی» دانشیار دانشگاه تهران و کارشناس حوزه آب، «حمیدرضا صفوی» استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و «احمد میدری» پژوهشگر و اقتصاددان در این نشست یکپارچه و تلفیقی منابع آب، «صادق زیاکلام» استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران و «محمد رضا صفوی» مدیران شرکت‌های آب و آبفا در تهران و «دانشیار کاری متفاوتی مانند مشاور منابع آب سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد را در کارنامه دارد، درباره این موضوع گفت: در خیلی از مناطق از دهه ۴۰ و در بخشی از مناطق خشک مانند دشت کرمان این روند شروع شد و از آب‌های زیرزمینی استفاده می‌شد، اما بخش اساسی مسئله به گمانم از دهه ۶۰ شروع شده است.

انوش نوری‌اسفندیاری، دبیر اندیشکده تدبیر آب ایران نیز در این نشست در گام اول و در تشریح شرایط کنونی می‌گوید: «من هم معتقدم بحران آب یک بحران مزمن است و به قول فرنگی‌ها بحران خزنده آب است. ما با جریانی روبه‌رو هستیم که از دهه ۴۰ شروع شده و در دهه ۷۰ به اوج رسیده است. دو مسئله در این شرایط تأثیرگذار بوده است؛ یکی برداشت بیش از حد یا همان اضافه‌برداشت که نسبت برداشت به منابع تجدیدپذیر است که ما از سال ۵۰ از مرز ۴۰درصد و از سال ۱۳۷۵ از مرز ۶۰ درصد گذشتیم و الان هم بیش از ۸۰ درصد برداشت داریم. این موضوع سبب شد در برنامه ششم توسعه برای کاهش برداشت هدف‌گذاری کنیم و باید ۳۰ درصد از برداشت کم می‌کردیم و تصور می‌شد که بعد از موفقیت در برنامه ششم، گام‌های بعدی اجرا شود. مورد دوم تقسیم نادرست و تخصیص‌های غیروادبی یا نادرست آب است که حقوق آب در آن به خوبی لحاظ نشده است. این دو مسئله مخاطرات در آب را بالا برد که از دهه ۹۰ این مسئله بیش از پیش خود را نشان داد و به شکل یک بحران ظاهر شد. «حمیدرضا صفوی»، کارشناس دیگری بود که دراین‌باره گفت: «همچنان که دیگر دوستان اشاره کردند، به نظر می‌رسد ما به لحاظ قانونی از دهه ۴۰ وارد بحث‌های جنجالی و قانونی آب شدیم که با ملی‌شدن آب در تیر ۴۷ و اینکه مدیریت آب از مردم و میراب‌ها به دولت واگذار شد، این مناقشات آغاز شد، اما عملا از دهه ۶۰ این بحث وارد حالت دیگری شد؛ دوره‌ای که به سمت خودکفایی محصولات کشاورزی و هم‌زمان به سمت صنعتی‌شدن غیراستاندارد رفقیم و باعث شد منابع آب به چنین حالتی برسد. اوج این مسئله در اواخر دهه ۸۰ خود را جدی‌تر نشان داد؛ یعنی زمانی که هم منابع کاهش پیدا کرد و هم بارش‌ها کم شد و در چنین شرایطی بحران و مسئله آب به‌طور جدی‌تر خود را نشان داد». در ادامه این نشست نوبت به «صادق زیاکلام»، چهره شناخته‌شده علوم سیاسی ایران رسید که در تشریح شرایط کنونی گفت: «من پیش‌تر به دوستان اعلام کردم که آب‌شناس نیستیم، ولی نخواستیم تقاضای دوستان را نادیده بگیریم و برای همین در این برنامه در خدمت دوستان هستیم تا از جهات دیگر به این موضوع نگاه کنم. هنگامی که کتاب «ما چگونه می‌شدیم؟» را می‌نوشتیم، سراغ این موضوع هم رفتم که سیاست‌های آب در ایران چه بوده و چه روندی را طی کرده است که به آن می‌پردازم. پیش از ورود به این بحث بگویم سیستم‌های مشابه ما درگیر مسائل روز و زمان حال هستند که در کشور ما هم همین است و بنابراین نگاه عمیق‌تر به آینده مثلا برای دو، سه دهه آینده وجود ندارد. البته برنامه‌ریزی‌های بلندمدت هست، اما چندان به مرحله عمل نمی‌رسد. علاوه بر این، اگر شما سخنان مسئولان کشور را هم ببینید، بیشتر در راستای همین ایدئولوژی و موارد اینچنینی است و دست‌کم من خاطرم نیست که مثلا مسئولان ارشد درباره آب، خاک، جنگل و... سخن بگویند.

دوستان درباره مسئله و بحران آب صحبت کردند؛ ولی واقعیت این است که حتی اگر نامزد سیزدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری، به صورت سرزده در تالار بورس حضور یافت و با فعالان بازار سرمایه از نزدیک گفت‌وگو کرد. همین اتفاق کافی بود تا سهام‌داران امیدوار باشند که در صورت تغییر دولت از روحانی به رئیسی نوع نگاه به بازار سرمایه نیز تغییر یابد. با مشخص‌شدن نتایج انتخابات، بازار سرمایه واکنش مثبتی به این اتفاق نشان داد و شاهد رشدی موقتی در بازار بودیم. با انتخاب خاندوزی به‌عنوان وزیر اقتصاد به‌عنوان یکی از منتقدان دولت قبلی در حمایت از بورس و علی صالح‌آبادی به‌عنوان رئیس بانک مرکزی به‌عنوان فردی از جنس بازار سرمایه، امیدها پربنگ‌تر شد.

مسئله به این صورت هم نباشد، ما باید بدانیم که فلات قاره ایران همیشه کم‌بارش بوده و میانگین بارش پایین است که البته بخش وسیعی از این میانگین مربوط به نقاط خاصی است و می‌دانیم در بعضی مناطق میزان بارش سالانه کمتر از ۱۰ سانتی‌متر است. پس ما از اساس و به لحاظ تاریخی کشور کم‌بارش و کم‌آب بودیم و با توجه به همین مسئله انتظار می‌رفت که مسئولان امروزی نگاه عمیقی به این موضوع می‌داشتند؛ اما اصلا و ابدا این مسئله جزء اولویت‌های اصلی نبود که در مراحل آخر بوده است؛» اما این وضعیت کم‌بارشی و شرایط کنونی تا چه اندازه از سوی حاکمیت دیده شده است؟ زهرایی در پاسخ به این پرسش هم گفت: «اگر چندین سال پیش این پرسش را از من مطرح می‌کردید، حتما می‌گفتم خیر، و نظام تصمیم‌گیر متوجه وخامت موضوع آب نیست؛ ولی از اسفند ۹۶ که افتخار همکاری با کارگروه کم‌آبی را پیدا کردم و با دوستان و دستگاه‌های ذی‌ربط در ارتباط بودم، به این جمع‌بندی رسیدم که بسیاری از مدیران میانی دولت و استانداران و مسئولان میزان وخامت وضعیت آب کشور را تا حد زیادی درک کرده‌اند که شاید بخشی از آن از آثار فعالیت همین کارگروه باشد؛ ۱۰ سال پیش مطلقا چنین نگاهی وجود نداشته است، البته در کنار این‌هم افزایش که الان وجود دارد، من با آقای دکتر زیاکلام هم‌عقیده هستم که حفاظت از منابع آب دغدغه اصلی مسئولان نبوده است و همیشه انکار اولویت‌های دیگری برای این مسئولان وجود داشته که در حالت کلی مسئولیت در این فهرست نداشت. البته اگر تجربه دیگر کشورها را هم نگاه کنیم، می‌بینیم که این مسیر توسعه نادرست را بسیاری از کشورها رفتند و در نهایت بعدتر متوجه شدند که چه اندازه این روند می‌تواند آب یک کشور را به نابودی بکشاند. تفاوت ما با این کشورها البته در کم‌بارشی و کمبود آب کشور است که فرصت اشتباه را از ما می‌گیرد؛ اما انعکاس این بحران تا چه اندازه در سخنان و برنامه‌های کشور دیده می‌شود؟ اسفندیاری هم در پاسخ به این پرسش و در تشریح موضوع گفت: «به نظر من بحران آب چند لایه دارد و آن لایه‌ای که الان مورد توجه است خطرات کم‌آبی است و تا زمانی که این شرایط منجر به یک سری خطرات سیاسی و اجتماعی نشود، چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. الان آب به‌عنوان یک منبع مهم تنها مختص به حوزه آب نیست و یک کلان‌مسئله است. پاسخ به این پرسش در حوزه کاهش برداشت، مثبت است و نشانه‌های آن تجهیز این حوزه برای کنترل برداشت از منابع آب زیرزمینی و کاهش میزان مصرف آب سطحی است که در سخنان وزرای نیرو هم این را می‌بینیم؛ اما درباره موضوع فرابخش ما این موضوع را نمی‌بینیم و همچنان دیده می‌شود که تلاش می‌کنند آب بیشتری را به کشور بیاورند و مصرف کنند. یک بخش دیگر این موضوع استانداردزای به حقوق مردم است که حتی همکاران در وزارت نیرو متوجه نیستند که به چه شکلی در حال تضعیع حقوق مردم هستند. چه در تصمیم برای منابع آب و چه در تصمیم برای تعادل بخشی، ما شاهد تضعیع حقوق بخش‌های و گروه‌هایی از جامعه هستیم. مثلا وقتی جاه‌های غیرمجاز احداث می‌شود، حقوق بخشی از مردم تضعیف می‌شود که الان این شکل موارد زیاد است و این حس عدم رضایت و نبود عدالت الان تا اندازه‌ای ایجاد شده و ممکن است عمیق‌تر شود». صفوی هم درباره همین موضوع گفت: «اگر ما فقط متمرکز به مسائل محیط زیست یا اقتصادی نشویم و این چندوجهی را با هم ببینیم و مثلا بگویم اگر ما نتوانستیم اشتغال ایجاد کنیم یا اقتصاد را بهبود ببخشیم، در نتیجه روی به منابع کشور آوردیم که از این طریق جبران شرایط نامساعد اقتصادی را داشته باشیم؛ ازجمله آب و خاک و هوا. ما اگر وضعیت‌مان را به لحاظ قانون و به لحاظ اجرا همسو و هم‌گرا بود، قطعا امروز به این مرحله نمی‌رسیدیم. در خود بدنه دولت‌ها به حدی اختلاف نظر و اختلاف رویکرد و عملکرد وجود دارد که هرکدام مسیر خود را می‌رود و این مسیرها گاهی با هم در تناقض است. ما زیاد می‌بینیم که وزارتخانه‌های مختلف در یک دولت با هم تعارض منافع و تعارض عملکرد دارند که به سمت سهم‌خواهی بیشتر می‌روند و این نشان می‌دهد که ما با این تضاد منافع در اولین قدم غیرشفاف برخورد می‌کنیم و آمار نادرست ارائه می‌شود. الان هیچ شرکت آب و فاضلابی در هیچ‌جا انتشار سودده نیست و در نتیجه سراغ فروش انشعوب‌ها به صنعت،

اقتصاد

کارشناسان و تحلیلگران در نشست «شرق» از راهکارهای کلان بحران آب می‌گویند

حکمرانی در شرایط بحران آب



نشست اما نوبت به توضیحات و پرسش‌های مخاطبان رسید که دراین‌باره یکی از حاضران گفت: «مسائل ما عمق زیادی پیدا کرده است. در برخی مناطق دیگر فرصتی نداریم. سپس باید دید اقدامات ما بلندمدت است و به نسل‌های آینده هم فکر می‌کنیم یا نه. نباید اقدامات خود را کوتاه‌مدت برنامه‌ریزی کنیم. بحث بسیار مهم اینجا این است که نظامی که بر سوسپید نهاده شده مهم است که به دست چه کسی می‌رسد؟ به دست قشر ضعیف می‌رسد یا به قشر خاصی پرداخت می‌شود. متأسفانه ما در مسئله آب نهاده‌ها، سوخت و ... سوسپید را به اقرار نادرست می‌رانسیم. پس اقدامات ما باید در مورد هر مسئله‌ای باشد که به آب مربوط است و سیاست‌گذاری ما نباید منحصر به آب باشد بلکه همه مسائلی که منتهی به آب است. ما با سوسپید باعث می‌شویم کشاورز کالای خود را ارزان بفروشد و واسطه آن را به بهای گزاف صادر می‌کنند. پس ما سوسپید را داریم به‌واسطه‌ها می‌دهیم و در زمینه حکمرانی آب ما موفق نیستیم و باید مسئله آب را در کلیتش ببینیم». در ادامه هم آقای خلئی از حاضران در این نشست می‌گوید: «من سؤالی ندارم چون خودم ۳۲ سال است توی این کارم و نقطه‌نظرات خودم را می‌گویم. ناکارآمدی ما در آب سابقه ۵۰، ۶۰ ساله دارد. پیش‌زمینه‌های اجتماعی ایران هیچ‌وقت نگذاشته حکمرانی خوب آب شکل بگیرد. نهایتا کار به جایی رسیده که وزارت نیرو با همه گشت و نظارت از عهده جاه‌های غیرمجاز بر نمی‌آید. یک نمونه از ناکارآمدی وزارت نیرو و وزارت کشاورزی تداخل دارند و کار به جایی رسیده که دشت‌های ما امکان احیایشان وجود ندارد. اگر وزارت نیرو شعار می‌دهد که در یک پروسه ۲۰ساله می‌تواند مدیریت بحران باشد، به‌هیچ‌عنوان درست نیست. شما از ذخایر تجدیدپذیر چه ذخایر غیرتجدیدپذیر رسیده‌اید چگونه وزارت نیرو می‌تواند ادعای تعادل بخشی کند؟ در ربع اول سال جاری توانستیم فقط به ۵ درصد برنامه‌های آیزیش تعیین‌شده برسیم. اگر آب نباشد امنیت غذایی هم نداریم. این همه چاه پروانه دادید که نمی‌توانید کنترل کنید. استان خراسان چگونه می‌تواند دشت‌هایش را احیا کند؟ من ساعت‌ها می‌توانم حرف بزنم اما فقط می‌گویم و می‌پرسم که مردم می‌تواند آب را می‌خواهند حل بکنند یا نه؟ من می‌گویم برای من معضل که امنیتی است، این مشکل با این شیوه حل نخواهد شد. چرا به نقطه‌نظرات امثال من گوش نمی‌دهند؟ در زمینه هیدرولتیک هم من تجربه‌ای بسیار فراوانی دارم که خواهم گفت. سیاست‌گران و می‌آموزم». در دقایق پایانی این نشست هم یکی دیگر از مخاطبان این شست مجازی؛ آقای هادی، گفت: «من می‌خواستم به شکل یک خواشش با یک سؤال، هرچه دوستان برداشت کنند حرفی بزنم. من فارغ‌التحصیل شریف هستم و سال‌ها در زمینه آب کار کرده‌ام و یک گروه واتس‌اپی هم درست کرده‌ام و همه‌چور در این زمینه کار کرده‌ایم. چگونه باید این مشکل را حل کرد؟ ما همه را مکتوب کرده‌ایم و ۱۰ صفحه با جزئیات به همه چیز پرداخته‌ایم. شما خبرنگارید. به داد ما کارشناس‌ها برسد. همه کار هم داوطلبانه بوده. ما بهترین دانشگاه درس خوانده‌ایم. چرا از این پتانسیل استفاده نمی‌شود؟ ما می‌بینیم که بودجه نداریم. مسئله فرونشست در سطح امنیت ملی هم مطرح شده چون بحران فوق‌العاده جدی است. زیرساخت‌های ما همه شکاف دارند و گزارش شده و خیلی عجیب‌وغریب است. ما واقعا کارمان را بلیدیم اما هزینه و برنامه می‌خواهد که نیست و رسانه‌ها باید واسطه این کار شوند.

آن‌هم به صورت غیرشفاف می‌روند که این تنها یک مثال از این روند است که به‌خوبی این شرایط و مسائل را نشان می‌دهد. این تازه روند وزارتخانه‌های مختلف در یک دولت است؛ اما این شرایط حالا به شیوه‌ای دیگر در قوه‌های دیگر هم وجود دارد، چه در دستگاه قضا و چه در قوه قانون‌گذار. به گمانم نهاده‌های حاکمیتی نه‌تنها نگاه واحد ندارند بلکه حتی در درون هر نهاد و قوه هم سازه‌های مختلفی نواخته می‌شود که نتیجه آن چنین شرایطی است. الان نماینده مجلس به سمت نطق‌های آتشین می‌رود؛ اما سراغ تنظیم قوانین دقیق و درست نمی‌رود، دولت و وزارتخانه‌ها هم همچنان قانون و روندهای پیشین انجام می‌گیرد و در دستگاه قضا هم شیوه برخورد به همین صورت است. در جمع‌بندی اینکه الان بسیاری از نهاده‌ا و مسئولان متوجه عمق بحران هستند؛ اما چون نگاه واحد وجود ندارد و برنامه جامعی طراحی نشده، همچنان نتیجه لازم به بار نداشته‌است. اما الان وضعیت آب در ایران به این صورت و در چین شرایط بحرانی است و چه راهکاری وجود دارد؟ این شاید پرسش بسیاری از مردم و در حالت کلی افکار عمومی باشد که زهرایی هم دراین‌باره گفت: «من فکر می‌کنم که دراین‌باره بین متخصصان حوزه آب اتفاق نظر است و آن اینکه ایران ظرفیت این‌حد از کشاورزی را ندارد؛ تکنولوژی در این زمینه خیلی کمک‌کننده نیست و کمکی به منابع آب نمی‌کند و برای اینکه این تکنولوژی‌ها به کنترل مصرف کمک کند، خصوصیت‌های دیگری هم می‌خواهد که در کشور فراهم نیست. خلاصه بحث اینکه اگر بخواهیم کاری بکنیم باید سطح زیرکشت کاهش پیدا و اجازه تغییر کاربری اراضی داده شود که الان غیرقانونی است. جنبه دیگر هم قیمت‌گذاری است که باید اصلاح شود، علاوه‌براین حقوق آب و قوانین هم باید به شکل کلی تغییر کند». در پاسخ به همین پرسش اسفندیاری هم توضیحاتی را مطرح می‌کند و می‌گوید: «این موضوع حقوقی و ساختار و سیاست‌ها که سه رکن حکمرانی است، همیشه مطرح بوده و حتی مسئله‌ساز هم شده است؛ در اواخر دوره آقای اردکانیان پیش‌نویس تصحیح قانون تنظیم شد اما به گمانم نیاز است که خود ساختار قدرت آن هم برائز مطالبات اجتماعی و خواسته‌های جامعه به سمت اصلاح برود. برای این تغییرات باید هم در سیاست‌های کلی، هم قوانین و ساختار تغییر ایجاد شود». در ادامه این نشست نوبت به سخنان «احمد میدری» کارشناس و پژوهشگر حوزه اجتماعی رسید که در به بررسی ایجاد این ماجرا پرداخت: «تراژدی منابع مشترک موضوع مهمی است که اقتصاددان شاخصی هم در این زمینه کار کرده و به گمانم برای بررسی موضوع آب در ایران باید سراغ این نظریه و این بحث هم برویم. اقدامات جمعی و همکاری‌های مردمی در طور تاریخ اصلاح‌گر دولت‌ها و بوروکراسی‌ها بوده و در اینجا و در روال بحث هم این موضوع به شکلی مطرح شده است. یک بحث این است که چپش مسائل باید به چه شکل باشد که همان حکمرانی است؛ آن چیزی که ما در این شرایط بحرانی نیاز داریم غیر از عقلانیت در دولت نیاز به همان مطالبات اجتماعی است. ما فوق‌العاده به کنش‌های اجتماعی نیاز داریم و این می‌تواند کمکی مؤثری به شرایط کنونی کشور باشد. تقویت همین جمع‌ها که از سوی روزنامه «شرق» دنبال می‌شود می‌تواند کمک به تولید محتوای دقیق و درست و همچنین مطالبه‌گر باشد که باید در این زمینه از رسانه کارشناسان حاضر تشکر کرد». در ادامه این

ادامه از صفحه اول

فلفل دلمه هم تأیید صلاحیت نشد!

- ششم و مهم‌تر از همه همگام‌نبودن با زنجیره بین‌المللی اعتباربخشی و تأیید صلاحیت آزمایشگاه‌ها و مراکز گواهی‌کننده. استاندارد‌سازی، ارزیابی انطباق، اندازه‌شناسی و تأیید صلاحیت، ستون‌های چهارگانه استاندارد هستند که در مجموع سازمان ملی استاندارد را تشکیل می‌دهند؛ سازمانی بسیار مهم و تخصصی که با جان و مال و سلامت مردم سروکار دارد، اما دولت‌ها کمتر به نقش و عملکرد آن توجه داشته‌اند و به همین دلیل در این سال‌ها دوران بحران مدیریت را پشت سر می‌گذارند و در حالت اغما به سر می‌برد. مرکز ملی اعتباربخشی و تأیید صلاحیت، ستونی از ارکان این سازمان است که در مجموع با حدود ۲۵ نیرو باید تمام آزمایشگاه‌ها و مرکز گواهی‌کننده در سراسر کشور را ارزیابی و به زنجیره آزمایشگاه‌های بین‌المللی استاندارد پیوند دهد تا نتایج آزمایش‌های انجام‌شده در آزمایشگاه‌های ایران در آزمایشگاه‌های استاندارد در کل جهان قابل قبول باشد و هیچ کالای استاندارد و باکیفیتی پشت مرزها نماند با برگشت نخورد. حالا مقایسه کنید مرکز ملی تأیید صلاحیت ایران (NACI) را با مرکز تأییدصلاحیت ترکیه (TURKAK) با بیش از هزار ارزیاب و نیروی کارآزموده که وظیفه ارزیابی، نظارت و کنترل آزمایشگاه‌های استاندارد در سراسر ترکیه را عهده‌دار است. به همین دلیل کالاهای خدمات‌ترکیه هر روز بیشتر از دیروز بدون چالش به بازارهای جهانی راه پیدا می‌کنند. از قدیم گفته‌اند: «همه چیزمان باید به همه چیزمان بیاید»؛ سازمان ملی استاندارد و مرکز ملی تأیید صلاحیت‌مان هم باید مثل دیگر مراکز علمی، تخصصی و کاربردی فسل و ناکارآمد باشد. سال ۹۷ به‌عنوان نمونه سازمان ملی استاندارد و عضوی از کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و قطر، به دوحه سفر کردم. با مشاهده میوه‌ها و سبزیجاتی که از کشورهای دوردست و نه از ایران، وارد قطر می‌شد، تعجب کردم. از نماینده سازمان استاندارد قطر دلیل را سؤال کردم، در پاسخ گفت: به دو دلیل، اول آنکه نخستین محموله‌های تولیدکنندگان صادرکنندگان ایرانی استاندارد و باکیفیت است، اما در محموله‌های بعدی کیفیت کاهش پیدا می‌کند و معمولاً کیفیت کالاها و خدمات ایرانی در طول زمان افت می‌کند. دوم آنکه واردکنندگان قطری زمان ایستادن در صف روایید و مسیر پرپیچ‌وخم اداری واردات کالا از ایران را ندارند. به عبارتی ما به دلیل ضعف ساختار و بافتار فرهنگی- اجتماعی جامعه‌مان، نه‌تنها بازارهای جهانی بلکه بازارهای منطقه‌ای و بازارهای همسایگان را هم از دست داده‌ایم. شاید تعجب کنید اگر این خسران و چالش اقتصادی را به مسائل فرهنگی- اجتماعی ربط دهیم، بله درست است. ربط دارد. هرچند فلفل‌دلمه و کیوی ایران به دلیل رعایت‌نشدن میزان مجاز سموم دفع آفات نباتی در تولید این محصولات برگشت خورده‌اند، اما در مجموع مهم‌ترین دلایل ناموفق‌بودن ایران در صادرات کالاهای غیرنفتی، تفکر و رفتار فرهنگی- اجتماعی غیرحرفه‌ای و نامتعارف ماست.

- کاهش تدریجی کیفیت کالاها و خدمات، رعایت‌نکردن دقیق استانداردهای ملی و بین‌المللی و استفاده غیرمجاز از مواد نگهدارنده و سموم در محصولات غذایی و کشاورزی ناشی از تفکر سرهم‌بندی، اهمال‌کاری، توجه‌نکردن به جزئیات، بی‌حوصلگی و بی‌آموزم». در دقایق پایانی این نشست هم یکی دیگر از مخاطبان این شست مجازی؛ آقای هادی، گفت: «من می‌خواستم به شکل یک خواشش با یک سؤال، هرچه دوستان برداشت کنند حرفی بزنم. من فارغ‌التحصیل شریف هستم و سال‌ها در زمینه آب کار کرده‌ام و یک گروه واتس‌اپی هم درست کرده‌ام و همه‌چور در این زمینه کار کرده‌ایم. چگونه باید این مشکل را حل کرد؟ ما همه را مکتوب کرده‌ایم و ۱۰ صفحه با جزئیات به همه چیز پرداخته‌ایم. شما خبرنگارید. به داد ما کارشناس‌ها برسد. همه کار هم داوطلبانه بوده. ما بهترین دانشگاه درس خوانده‌ایم. چرا از این پتانسیل استفاده نمی‌شود؟ ما می‌بینیم که بودجه نداریم. مسئله فرونشست در سطح امنیت ملی هم مطرح شده چون بحران فوق‌العاده جدی است. زیرساخت‌های ما همه شکاف دارند و گزارش شده و خیلی عجیب‌وغریب است. ما واقعا کارمان را بلیدیم اما هزینه و برنامه می‌خواهد که نیست و رسانه‌ها باید واسطه این کار شوند.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز
جنوب (سهامی خاص)

شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در نظر دارد کالای مورد نیاز خود را مطابق جدول زیر بصورت فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) تأمین نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه، از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای:
تقاضای شماره: ۰۲-۳۰-۷۵-۰۰۳۳۰۵۰
مناقصه شماره DTI۰۳۳۰۵۰-۰۰۰۲۳۰۰۰

شماره آگهی
۱۲۴۱۸۹۳

نوبت اول

موضوع مناقصه	مقدار کالا	شماره فراخوان در سامانه ستاد	مبلغ تضمین
قطعات بال ولو	۲۳۷۶	۰۰۰۵۷-۹۲۲۸۸-۲۰۰۰۰	۸۹۴,۷۲۰,۰۰۰ ریال

لذا کلیه شرکت‌هایی که فعالیت آنها مرتبط با شرح کالای مورد درخواست می‌باشد می‌بایست ظرف مدت ۱۴ روز از تاریخ درج آگهی فراخوان نوبت دوم با مراجعه به سایت www.setadiran.ir، نسبت به چاپ و تکمیل «فرم تعهد نامه ارائه کالا مطابق با استانداردهای شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب» و بازگذاری آن به همراه مدارک و مستندات، بر اساس موارد مندرج در جدول ارزیابی کیفی (برای معاملات کمتر از بیست برابر نصاب معاملات متوسط) در سامانه ستاد اقدام نمایند.

کسب حاقاق نمره ۶۰ در ارزیابی کیفی، جهت دریافت اسناد مناقصه توسط فروشندهگان/ سازندگان الزامی است.
استاد و مدارک مناقصه پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه، از طریق سامانه ستاد برای مناقصه-گران واجد شرایط ارسال خواهد شد.
ضمناً مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۸۹۴,۷۲۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.
واحد مکانیکال اداره تدارکات خرید کالای داخلی (تلفن: ۰۶۱-۲۵۰۶۰-۳۴۱-۰)